

بنیادهای کلامی اخلاق در اندیشه شیخ طوسی

حسین زارع^۱

چکیده

شناخت پایه‌ها و بنیان‌های یک منظومه اخلاقی، هموار کننده تبیین مناسب اصول و نظریه‌های هنجاری مندرج در منظومه بوده و مقایسه آن با دیگر نظام‌های اخلاقی را ممکن می‌سازد. بدون تردید نظام اخلاقی متفکران شیعی، متأثر از اندیشه‌های کلامی آنان قرار می‌گیرد. از این‌رو می‌توان با واکاوی اندیشه‌های بنیان‌گذاران مکاتب کلامی در شیعه، به نظام‌های متأثر از آن اندیشه‌ها پی برد. پژوهش حاضر، با پردازش و تحلیل داده‌ها و گزاره‌ها با شیوه توصیفی تحلیلی، مبانی کلامی اخلاق در اندیشه شیخ طوسی را به صورت هدفمند مورد مطالعه قرار داده است. شیخ طوسی با تکیه بر نقش عقل و وحی در معرفت اخلاقی، یک مبنای عام‌گرای شهودگرا است که عقل را مهم‌ترین منبع معرفتی در اخلاق به شمار آورده و از دیگر منابع همچون حس و وحی برای تفصیل احکام اجمالی عقل کمک می‌گیرد. جامعیت نظریه شیخ طوسی با توجه به فضیلت‌گرایی و وظیفه‌نگر او در حوزه اخلاق هنجاری، واقع‌گرایی و شناخت‌گرایی و نفی ذهنیت‌گرایی در حوزه فرا اخلاق، مسئولیت اخلاقی فاعل اخلاقی و قرب الهی به عنوان سعادت اخلاقی به خوبی مشخص می‌شود.

واژه‌های کلیدی: شیخ طوسی، اخلاق، مبانی کلامی، نظام اخلاقی، بنیادهای اخلاق، بنیادهای اعتقادی.

۱. بیان مسئله

اخلاق متکفل ارزش‌گذاری رفتارها و صفات و ملکات انسانی است. این ارزش‌گذاری بر پایه مبانی و زیرساخت‌های نظری و کلامی صورت می‌گیرد. از این رو اخلاق با توجه به مبانی و زیرساخت‌های نظری و کلامی، دستورالعمل‌های مشخصی را در عرصه عمل ارائه می‌کند. لذا شناخت مبانی مختلف نظری، از جمله مبانی کلامی اخلاق امری ضروری می‌باشد. بدیهی است که تفاوت در مبانی نظری باعث تفاوت در دستورالعمل‌های اخلاقی می‌گردد و تبیین مبانی کلامی تأثیر مستقیم در تبیین و توجیه دستورالعمل‌های اخلاقی و دفاع از آن‌ها دارد.

هدف از نگارش مقاله که با روش تحلیل مضمون صورت گرفته، بررسی مبانی کلامی اخلاق از دیدگاه شیخ الطائفه طوسی است و نقش آن‌ها را در شکل‌گیری نظام اخلاقی تبیین کند و با ارائه بیش از یازده اثر خاص کلامی و همچنین ارائه نکات ناب کلامی در جای جای دیگر آثار خویش و اثرگذاری او بر اندیشمندان پس از خودش، سزاوار توجه و بهره‌گیری علمی و جستجو در افکارش هست.

بنابراین نگارنده قصد دارد با تبیین نظریات و آرای کلامی شیخ طوسی آن دسته از اندیشه‌هایی که در کارایی و اثربخشی و انطباق‌پذیری با اخلاقیات اسلامی مطرح است را استخراج کرده، سعی نموده است تا قواعد مبنایی و مبانی شناخت‌شناسی را در هرم اخلاقی اسلامی آشکار نموده و سپس مقدار تأثیرگذاری آن‌ها را در ساختار معرفت اخلاقی معین کند.

نظریات شیخ پیرامون خداوند و صفات او، عدل و نبوت و معاد و امام و علم و احباط و تکفیر و انکار عالم ذر و بسیاری دیگر از مباحث از جمله مواردی است که می‌تواند حاوی بنیادهای اخلاقی باشد که نیازمند تتبع و تدقیق است. توجه به نقش شیخ طوسی و تطور فکری او، ترسیم نهضت علمی عقل‌گرایانه شیعی و استخراج نکات ژرف‌اندیشانه وی، مهم‌ترین راهکاری است که می‌تواند در ساخت و ایجاد نظام اخلاقی از آن بهره‌برد و در پیشبرد نظام کلی فلسفه اخلاق آن را پایه و اساس دانست. با توجه به کتب و مقالاتی که پیرامون آراء و اندیشه‌های کلامی شیخ طوسی به نگارش درآمده است هیچکدام از آن آثار به نقش مبانی کلامی در اخلاق و شکل‌گیری نظام منسجم اخلاقی برآمده از آن مبانی به صورت مستقیم اشاره‌ای نکرده‌اند.

۲. هویت انسانی و منابع معرفت‌شناختی اخلاق

از آنجا که انسان، موضوع طراحی نظام اخلاقی است، ابتدا نگاه شیخ طوسی درباره حقیقت انسان تحلیل مضمون می‌شود تا منابع معرفت‌شناختی اخلاق از نگاه وی استنتاج گردد.

۲-۱. حقیقت انسان از منظر شیخ طوسی

وی در مقام بیان مکلف، انسان و روح معتقد است که مکلف همان حی (زنده) و حی همان انسان است که مجموعه تناسب دار محسوس است که تمامی اوامر و نواهی و تکالیف بدان تعلق می‌گیرد (طوسی، ۱۴۰۶: ۱۱۳). وی نظریات انسان‌شناسانه استاد خویش شیخ مفید را که حی را غیر از مجموعه تناسب دار معرفی کرده و آن را ذاتی می‌داند که نه جوهر و نه عرض و نه حال در این مجموعه است، رد می‌کند (همان: ۱۱۴).

وی روح را از نظر واژگانی، برگرفته از واژه ریح دانسته و در بیان چپستی آن می‌گوید: «روح جسم رقیق هوایی است که جزء اخیر علت حیات در موجود زنده است» (طوسی، بی‌تا، ۸: ۵۸۰).

شیخ طوسی ذیل آیه ﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى﴾ (زمر: ۴۲) معتقد است که روح و نفس، دو چیز است. با قبض روح، مرگ حاصل می‌شود، اما با قبض نفس، حیات انسان باقی است و فقط توانایی ادراک و تعقل ندارد (همان، ۹: ۳۲).

شیخ معتقد است احساسات، جزئی از ادراک به حساب می‌آید و ادراک فقط برای موجود زنده (انسان) جایز است و روح بعد از جدایی از بدن توانایی ادراک ندارد و باید همراه با جسم باشد تا بتواند مدرکات را درک نماید (همان).

۲-۲. منابع معرفت‌شناختی اخلاق از منظر شیخ طوسی

شیخ طوسی «حس، عقل و وحی» را از منابع مهم معرفت‌شناختی می‌داند. جدول ذیل بر اساس تحلیل مضمون، منابع معرفت‌شناختی اخلاق را از نظر شیخ طوسی نشان می‌دهد:

جدول ۱. منابع معرفت‌شناختی اخلاق

ردیف	گزاره کلامی شیخ طوسی	مفهوم	تحلیل مضمون اخلاقی
۱	ادراکات عقل نظری جایگاه مشورت کننده اندرزگویی دارد (طوسی، ۱۴۰۶: ۲۵-۲۶).	عقل نظری	عقل با محور ادراک، جایگاه والایی در انجام رفتارهای اخلاقی دارد.
۲	عقل، خویشتن‌داری از زشتی و محدود و محصور کردن خویش بر نیکی است (طوسی، ۱۴۰۶: ۲۵-۲۶؛ همو، بی‌تا، ۴: ۱۱۷).	عقل عملی	عقل عملی با ادراک باید و نباید و تشخیص حسن و قبح، به قضاوت می‌پردازد.
۳	در مصادیقی عقل قادر به ارائه معرفت نیست، و لازم است به مفاهیم وحیانی و نقلی رجوع کرد (طوسی، ۱۴۰۶: ۸۴).	عقل محدود	انسان در مصادیقی از زیست اخلاقی علاوه بر عقل، محتاج وحی است.
۴	احکام عقل در مورد تقبیح و تحسین افعال از موارد بدیهی و ضروری است و این مطلب نزد عقلای عالم با اندک تأملی قابل فهم است (طوسی، بی‌تا، ۳: ۳۶۴؛ ۵۸).	عقل ضروری	اخلاق امری عقلانی است.
۵	وحی به معنای نوعی آلاء بر نفس انسان به صورت مستتر و پنهانی است (طوسی، بی‌تا، ۶: ۴۰۳).	وحی	وحی یکی از منابع دست‌یابی به معرفت اخلاقی به شمار می‌رود.
۶	وحی، آلاء معنا بر قلب است (طوسی، بی‌تا، ۸: ۴۸۵).	وحی	وحی نقشی انگیزشی برای انجام تکالیف اخلاقی منبعث از قلب ایفا می‌کند.
۷	وحی، رهاننده از منجلاب جهل و نابخردی و آشنا کننده نفس آدمی با عالم معنویت است (طوسی، بی‌تا، ۹: ۶۲).	وحی	وحی مؤثرترین و مستحکم‌ترین راه اثرگذاری اخلاقی و منبع معنویات و اخلاق است.
۸	وحی علاوه بر شناخت مصادیق احکام اجمالی عقل در حوزه اخلاق، نقشی انگیزشی برای انجام تکالیف اخلاقی منبعث از عقل عملی ایفا می‌کند (طوسی، ۱۳۷۵: ۳۲).	وحی	وحی، محرکی خوب برای انجام خوبی‌ها و پرهیز از بدی‌های اخلاقی است.

<p>لازمه اولیه یک عمل اخلاقی، بهره‌مندی از این نوع ادراکات حسی است.</p>	<p>یکی از طرق کسب معرفت، ادراکی است که از طریق حواس خمسہ درک شده باشد در صورتی که عقل آن را هدایت و موانع سلامت را زائل کند (طوسی، ۱۳۷۵: ۹-۱۰).</p>
---	---

۱. شیخ طوسی اعتبار و حجیت احکام نظری عقل را پذیرفته، در فهم معارف و گزاره‌های دینی، اعتبار عقل را به رسمیت می‌شناسد. وی ادراکات عقل نظری را جایگاه مشورت کننده اندرزگویی دانسته، که زمینه اجرا و انجام احکام و اشاراتش را به عقل عملی می‌دهد و عقل عملی مجری آن ادراکات محسوب می‌شود.

عقل عملی که قوه ادراک بایدونباید و یا تشخیص حسن و قبح عقلی است مورد توجه و تأکید شیخ قرار گرفته و در تعریف آن معتقد است: فعل حسن چیزی است که در عقل حسن و نیکو باشد و قبیح آن چیزی است که ناپسند است و عقل آن را تشخیص می‌دهد، و پذیرش عقلی آن را به قبول طبع دانسته است. لذا وی تبیین مرز علم و وهم و خیال را به عهده عقل نظری گذاشته و اما عقل عملی خصوصیات اخلاقی را که در اصلاح و تنظیم رفتار و امیال آدمی مؤثر است، به منصف ظهور می‌رساند. بنابراین عقل عملی مهم‌ترین مبنای فهم و معرفت گزاره‌ها و مصادیق اخلاقی است.

۲. می‌توان شیخ را یک عام‌گرای اخلاقی^۱ دانست که اوصاف و احکام اخلاقی را بر پایه یک سری اصول بدیهی بنانهاده و مناط و ملاک خوبی و بدی احکام غیر بدیهی را با رجاع به بدیهیات تعیین می‌کند. وی ارزش احکام و گزاره‌های اخلاقی را بسان اندیشمندان علم اخلاق بر اساس بدهت خوبی عدل و بدی ظلم تشریح می‌کند و بدین سان در زمره شهود گرایان اخلاقی^۲ قرار می‌گیرد.

۳. شیخ طوسی، حس و معرفت حسی را که مورد تأیید عقل و غیر مخالف شرع است؛ به عنوان منبع معرفت اخلاقی معرفی کرده است.

۱- طرفداران این رویکرد در اخلاق معتقدند معرفت اوصاف اخلاقی مبتنی بر اوصافی پایه‌ای است و بر اساس اصول پایه‌ای می‌توان به معرفت اخلاقی دست یافت (میل، ۱۳۹۰: ۱۹).

۲- شهود گرایی در معرفت‌شناسی اخلاقی به معنای معرفت بی‌واسطه در خصوص درستی یا نادرستی پاره‌ای از اعمال است و به تعبیری دیگر اصول اساسی مربوط به درستی یا نادرستی این اعمال به دلیل بدهتشان معتبر است. این اصول نه تنها اصول اساسی یک نظام قیاسی در حوزه اخلاق هستند بلکه صدق آن‌ها را با اندک تأملی می‌توان به‌طور بی‌واسطه دریافت (صادقی، ۱۳۹۷: ۲۱۰).

۴. شیخ طوسی پس از اعتبار بخشی به عقل در معرفت اخلاقی به تبیین و حجیت وحی رسالی که از طرف خداوند به نبی الهی رسیده و مصادیق برآمده از آن پرداخته و با استفاده از اعتبار و حجیت عقل، به وحی و مصادیق برآمده از آن در معرفت گزاره‌های اخلاقی اعتبار و حجیت بخشیده است.

۳. بنیادهای خداشناختی اخلاق

اعتقاد به خداوند و پذیرش اوصاف الهی، نقش غیر قابل انکاری در اعمال و رفتارهای انسانی دارد و بر ملکات و صفات درونی وی تأثیر بسزایی می‌گذارد. از این رو، توجه و اهتمام به هرکدام از اوصاف الهی، در زندگی اخلاقی انسان اقتضائاتی را به همراه دارد که به زندگی اخلاقی جهت دهی‌های خاص می‌دهد.

تفکر مبتنی بر الهیات دینی، تأثیرات انگیزشی، معرفتی مرتبط با الزام اخلاقی و ارزش اخلاقی را به همراه داشته و تصویری مناسب از چگونگی ارتباط بین انسان و خالق وی را فراهم می‌آورد که همگی در عملکرد اخلاقی انسان تأثیرگذار است. اساساً مهم‌ترین وظیفه بنیادهای خداشناختی اخلاق تبیین همین تأثیرهاست، که تجلی آن در تبیین شاخصه‌های ویژه اخلاق دینی/ الهی، و تفکیک آن از اخلاق غیردینی و ذکر تفاوت‌های آنان است. بدین سان باور به وجود خداوند و صفات وی، لوازمی را در اخلاق به وجود می‌آورد که اخلاق غیر دینی و غیرالهی به دلیل انکار و نادیده گرفتن آن‌ها با آن لوازم مواجه نمی‌شوند.

شیخ طوسی، معتقد به یگانگی خداوند است. ایشان بسان سایر متکلمان، صفات گوناگونی را برای خداوند به‌عنوان فاعل اخلاقی قائل است و علم، قدرت، عدل، سمع و بصر، اراده، خالقیت و ربوبیت از جمله مواردی است که دیدگاه شیخ طوسی درباره آن‌ها تبیین و تحلیل مضمون شده و نتیجه آن در جدول ذیل آمده است.

جدول ۲. بنیادهای خداشناختی اخلاق

ردیف	گزاره کلامی شیخ طوسی	مفهوم کلامی	تحلیل مضمون اخلاقی
۱	توحید اساس دین و جزو اصلی‌ترین مبانی است که تحقق نظامات اخلاقی دینی بر محوریت آن روشن گردیده و مسیر مناسبی در توجیه مسائل و موضوعات اخلاقی فراهم می‌آورد (طوسی، بی‌تا، ۶: ۳۹۱).	توحید	اندیشه توحید بستر تأثیرگذار سایر مبانی کلامی در اخلاق است.

۲	نظم و اتقان آفرینش مهم‌ترین برهان بر علم خداوند است (طوسی، ۱۳۷۵: ۵۴).	علم	اعتقاد به علم الهی و خدای ناظر آگاه و عالم باعث پرهیز از گرایش به بدی‌ها و باعث ایجاد انگیزه جهت انجام خوبی‌های اخلاقی است.
۳	معرفت به قادری رحمان و حکیم که ذره‌ذره عالم مقهور اوست و سلطه بی چون و چرایش بر هر شیء و فعلی غالب است، اصلی‌ترین دلیل بر برآوری حب نفسانی نسبت به آفریدگار را شکل می‌دهد (طوسی، بی‌تا، ۲: ۶۲).	عقل	حب و انگیزش اطاعت از خداوند اولین اثری است که توجه به قدرت الهی در اخلاق عملی خواهد گذارد.
۴	شیخ طوسی مسائل کلامی نظیر عدل را با تمسک به حسن و قبح عقلی پذیرفته است (طوسی، ۱۴۰۶: ۸۶).	عقل	نگرش و اعتقاد به این که هیچ چیز از دایره قدرت و عدل الهی بیرون نیست، انسان را از مدار اخلاق خارج نمی‌کند.
۵	خداوند سمیع است، بدون داشتن گوش، و بینا است بدون داشتن چشم، چرا که خداوند از اسباب مادی منزّه است (طوسی، ۱۴۱۴: ۹۴-۹۵).	سمع	اعتقاد به خدای سمیع و بصیر که ناظر آدمی است، باعث پای بندی انسان به اخلاق حسنه است.
۶	خداوند مرید است به اراده حادث و مستقل و بدون محل (طوسی، ۱۴۰۶: ۶۴-۶۵).	اراده	ایمان به خدای مرید، به انسان شوق عبادت می‌دهد.
۷	اراده عین ذات نیست؛ اگر باشد، اراده قبیح از سوی خدا لازم می‌آید (طوسی، ۱۴۰۶: ۶۴-۶۵).	اراده	بنده‌ای که می‌داند خدا اراده قبیح برای بندگان نمی‌کند، او هم شرم دارد که مرتکب قبیح شود.
۸	بین گزاره‌های اخلاقی و اراده خداوند ارتباطات و تناسبی مستقل وجود دارد (طوسی، ۱۴۰۶: ۲۶ و ۸۶).	اراده	بنده شوق پیدا می‌کند اراده الهی را تحقق عینی دهد.
۹	خداوند خالق و ولی نعمت است (طوسی، بی‌تا، ۹: ۴۶۰).	ایمان	شخص معتقد به خالقیت، خاضع، خاشع و شکرگذار می‌شود.
۱۰	تدبیر و اصلاح تمامی مخلوقات از ابتدای خلقت تا وصول آنها به نهایت کمال، تحت عنوان «یجب علی الله» بر او وجوب یافته است (طوسی، بی‌تا، ۵: ۴۵۰).	تدبیر	شرایط قرب الهی به صورت تکوینی فراهم شده و خداوند اراده کرده انسان‌ها رشد نمایند.

از مجموع مطالب ذکر شده و پالایش مضامین آنها بر اساس تحلیل اخلاقی گزاره‌های کلامی شیخ طوسی، این نتایج به دست می‌آید:

۱. توحید از نظر شیخ اساس و بنیاد اخلاق دینی است، ایشان انسان را به طور مطلق وابسته به خدا می‌داند و معتقد است که خدا نیازهای او را تأمین می‌کند. انسان به علت همین وابستگی و نیاز به خدا، باید شرط بندگی را رعایت کند و عبادت کننده خدا و مطیع محض دستورات اخلاقی او باشد. از سوی دیگر منبع ارزش گذاری در اخلاق دینی، متون مقدس دین است؛ اگر اعتقاد به خدا نباشد، متون مقدس هم اعتبار و حجیتی نخواهد داشت، پس ارزش گذاری و در نتیجه اخلاق وجود نخواهد داشت.

۲. باور به توحید و وجود صفات کمالی نقشی ویژه در زیست اخلاقی انسان ایجاد می‌کند و اینکه خداوند به صورت تکوینی و تشریحی امکانات زیست اخلاقی را برای انسان‌ها فراهم آورده که مدلی واقع‌گرایانه در نظام اخلاقی شیخ طوسی است. از تحلیل مطالب فوق، بدست می‌آید: که انسان موحد و معتقد به صفات الهی، هم وظیفه‌گرا است و هم نتیجه‌گرا؛ زیرا علاوه بر این که باید دستورات الهی را انجام دهد، دل‌خوش به نتایجی است که خداوند متعال برای او در نظر گرفته است. شیخ طوسی با اثبات صفات الهی با ادله فوق‌الذکر بر نقش انگیزش اخلاقی آنها نظیر نظارت دائمی خداوند، حسن تدبیر، آرامش روحی و روانی، رضایت به اطاعت الهی، توکل، امید و اعتماد، دوری از تکبر و فخرفروشی و دوری از یاس و ناامیدی و..... اشاره کرده است.

شیخ طوسی با باور به مرید بودن خداوند- آن هم به اراده حادث و مستقل و بدون محل- آن را از مقومات اصلی فاعل اخلاقی و مسئولیت داشتن وی به حساب آورده و در تحقق فعل اخلاقی نیز ارادی بودن و اختیار در کنار عنصر ارزشمندی و انتخاب عالمانه نقش مهمی دارد. از این رو تنها علم به خوبی و بدی‌ها علت تامه انجام و ترک فعل نیست بلکه قصد و اراده نیز در شکل‌گیری فعل اخلاقی دخیل‌اند.

شیخ با تبیین وابستگی مفاهیم اخلاقی به واقعیت نفس‌الامری، مسئله‌غایت‌را که فرای این حقیقت است- که اصطلاحاً نظریه‌غایت‌گرایانه گفته می‌شود- نقد می‌کند؛ چرا که آنچه مطلوب استاً انجام عمل بر اساس معیار حقیقت است که عقل

۱. وظیفه‌گرایان اخلاقی ارزش اخلاقی یک عمل را وابسته به نتیجه تنها نمی‌دانند بلکه در ارزشی شدن یک عمل امر دیگری را نیز دخیل می‌دانند و خود فعل را صرف‌نظر از نتیجه آن دارای ویژگی‌های خوب و بد می‌دانند (فرانکنا، ۱۳۸۹: ۴۹).

۲. نتیجه‌گرایان اخلاقی ارزش اخلاقی یک عمل را در غایت آن می‌دانند، لذا در پی رسیدن به بیشترین خیر به‌دست‌آمده از آن هستند (فرانکنا، ۱۳۸۹: ۵۰).

حسن و قبح آن را درک می‌کند و غایت اگرچه در ارتباط با حقیقت گاهی مورد اندراج و استخراج قرار می‌گیرد اما حقیقت با پسامد تغییر غایت متغیر نمی‌شود. از این رو باید معتقد شد که شیخ به جهت وجود احکام بدیهی نظری و عملی تنها آن‌هایی را به عنوان اخلاق می‌پذیرد که حاصل ادراک حقیقت و مستقل از هر نتیجه ممکن باشد، که این سخن دلالتی آشکار بر وظیفه گروهی شیخ در نظریات اخلاقی دارد.

۴. بنیادهای راهنماشناختی اخلاق

در کتاب‌های کلامی، معمولاً مطالب مربوط به راهنما شناسی ذیل دو عنوان نبوت و امامت مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. ذیل عنوان نبوت مباحثی از قبیل حسن و وجوب بعثت انبیاء، راه‌های شناخت انبیاء، ویژگی‌ها و صفات آن‌ها مانند عصمت و علم، اثبات نبوت پیامبر اکرم (ص)، قرآن و کیفیت نزول وحی و... مطرح می‌شود. همچنین ذیل عنوان امامت مباحثی مانند تعریف امامت و وجوب آن، راه‌های تعیین امام، صفات امام مانند علم و عصمت و افضلیت، جانشین بلافصل پیامبر، مسئله غیبت امام و... مورد بحث قرار می‌گیرد، که با تحلیل مضامین آنها، نظام اخلاقی استخراج می‌گردد.

شیخ طوسی با استناد به حسن و وجوب بعثت انبیا و قاعده لطف، ضرورت هادیان الهی برای انسان را ضروری دانسته، و با اثبات علم و عصمت برای آنان، به برتری و افضلیت آنان نسبت به دیگران معتقد شده است تا دیگران با اعتماد به آن‌ها ضمن الگوگیری از آن بزرگواران در مسیر زیست اخلاقی از آنان پیروی نمایند (طوسی، ۱۳۸۲، ۴: ۱۷۹). شیخ طوسی وجود انبیا و امامان را جهت حفظ دین مردم برای هدایتشان ضروری می‌داند (طوسی، بی‌تا، ۷: ۲۶۵). ایشان وجود معجزه از ناحیه هادیان الهی را برای جلب اعتماد مردم و تصدیق آنها ضروری می‌داند (طوسی، ۱۳۶۲: ۳۱۵).

شیخ طوسی با تأیید لطفی بودن عصمت (طوسی، بی‌تا، ۵: ۴۹۰) و داشتن ملکه نفسانی بر منع از گناه، معتقد است که عصمت حقیقت تامه معرفتی است که خداوند در بطن معصوم قرار داده است تا با توسل به آن، بتواند حقیقت افعال را درک و حسن و قبح آن‌ها را به عقل سلیم فهم نماید. از این رو شخص معصوم، با فطرتی که با دیگر انبای بشر مشترک است، از گناه دوری کرده و جذب خوبی‌ها می‌شود (طوسی، بی‌تا، ۵: ۴۹۰). اعتقاد و باور به لزوم عصمت برای اسوه‌های الهی، از باب حفظ و تشویق مردم به تطهیر نفس و اخلاقی زیستن است (همان، ۸: ۳۴۰). شیخ طوسی علاوه بر

عصمت هادیان الهی، داشتن علم الهی را نیز ضروری دانسته و عدم آن را منافی با هدف ارسال رسولان الهی می‌داند (طوسی، ۱۴۰۶: ۳۱۲). بدین سان وجود چنین ویژگی‌هایی رسولان الهی را طلایه دار حرکت و زیست اخلاقی در بین مردم می‌کند و لذا برتری و افضلیت آنان بر دیگران قطعی خواهد بود (طوسی، ۱۳۸۲، ۱: ۲۳۱).

جدول ذیل به تحلیل مضمون گزاره‌های کلامی شیخ طوسی در راهنماشناختی و ارتباط آن‌ها با اخلاق پرداخته تا فرایند استخراج مبانی موردنظر طی شود.

جدول ۳. بنیادهای راهنما شناختی اخلاق

ردیف	گزاره کلامی شیخ طوسی	مفهوم کلامی	تحلیل مضمون اخلاقی
۱	واجب است امام، با شناخت باطنی از حقایق طرق کمالیه بشری، پیشوای آنها در این سیر الی الله قرار گیرد (طوسی، ۱۳۸۲، ۱: ۱۷۹).	لزوم راهنما	این نگرش که همیشه راهنمایانی برای تهذیب اخلاقی بشر وجود دارند، علاوه بر این که بشر را مدیون لطف خدا می‌کند، وجود چنین الگوهایی به انسان‌ها انگیزه زیست اخلاقی می‌دهد.
۲	آن چیزی که بر حسن بعثت انبیای الهی دلالت می‌کند الطاف الهی است که خدا، بر خود واجب کرده است (طوسی، ۱۴۰۶: ۲۴۷).	وجود راهنما	وجود الگوی اخلاقی، انگیزه زیست اخلاقی می‌دهد. زیست اخلاقی، بدون راهنما عملاً ممکن نیست.
۳	اعلام فعل واجب، از مقوله لطف بر بنی آدم بوده، و ترک آن، مفسده‌ای بزرگ است و لذا بر خداوند واجب است تا او را از حسن فعلی واجب آگاه و از فعل مفسده رهایی بخشد (طوسی، ۱۳۶۲: ۳۱۳).	توجه به راهنما	زیست اخلاقی، بدون راهنما عملاً ممکن نیست. وجود الگوی اخلاقی، زمینه رشد اخلاقی مردم را فراهم می‌کند.
۴	حقیقت عصمت، ملکه معرفتی است که خداوند بر اساس لطف خود به معصوم عطا نموده (طوسی، بی‌تا، ۵: ۴۹۰).	مصونیت راهنما	وجود الگوهای معصوم سبب می‌شود انسان‌ها به مسیرهای اخلاقی الگوها اعتماد کنند. با توجه به اینکه در کنار عقل، وحی منبع معرفتی اخلاقیات است، اگر راهنمایان معصوم نباشند، راه تشخیص تکالیف اخلاقی مسدود می‌گردد.
۵	راهنما باید عالم به همه نیازها باشد، تا در هیچ استقتایی از پاسخ در نماند (طوسی، ۱۴۰۶: ۳۱۲).	علم راهنما	آگاهی و علم کامل الگوهای اخلاقی، انسان‌ها را در مسیر زیست اخلاقی مطمئن قرار می‌دهد.

چنین نگرشی مردم را در مسیر زیست اخلاقی نسبت به راهنمایان مطمئن می‌کند.	تفصیل در راه	مهم‌ترین وصف بعد از عصمت امام که به لطف الهی متکی است، وصف افضلیت امام بر امت است (طوسی، ۱۳۸۲، ۱: ۲۳۱).	۶
به دلیل افضلیت راهنمایان و اعتماد مردم به آنها، زیست اخلاقی برای مردم واقعی‌تر و سهل‌الوصول‌تر است.	تفصیل در راه	با اثبات حجیت راهنما، اقوال و افعال او تماماً مراعات شده و در نزد مردم حجت می‌شود، از این رو وی باید افضلیت فاعلی نسبت به افعال و عبادات و کلیه محاسن داشته باشد (طوسی، ۱۳۸۲، ۱: ۲۰۴).	۷

از مجموع مطالب ذکر شده و پالایش مضامین آنها بر اساس تحلیل اخلاقی

گزاره‌های کلامی شیخ طوسی، این نتایج به دست می‌آید:

۱. اسوه‌های اخلاقی با داشتن ویژگی‌ها و منش‌های والای اخلاقی می‌توانند انسان‌ها را در اخلاقی شدن یاری نموده و در تعلیم و تربیت اخلاقی نقشی خاص ایفا کنند. ارسطو در باب الگوهای اخلاقی معتقد است آنان افرادی حکیم هستند که در مواقع و شرایط خاص مختلف و به دلیل داشتن فضایل اخلاقی والا (نظیر حکمت، عدالت و شجاعت) و در پرتو حکمت عملی، تشخیصشان صواب است (ارسطو، ۱۳۸۵: ۹۴).

۲. قرآن کریم از مؤمنان می‌خواهد که بدون زحمت، پس از ایمان به نبوت، تمام اوامر نبی را اطاعت کنند (نساء: ۶۵ و ۸۰). با توجه به این آیات، حقیقت امر آن است که تمام اوامر پیامبر، الزام و ایجاب را برای مؤمنین به‌عنوان تکلیف نهایی تعیین می‌کند. همچنین سنت و سیره معصومین علیهم‌السلام به دلیل جنبه‌های هدایتگری و عصمت آنان الزام و ایجاب را در حوزه اخلاق به دنبال دارد.

۳. عقل عملی توانایی دادن راه‌حل و حد وسط در گزینش اخلاقی ندارد، بنابراین باید به دنبال صاحبان فضیلت و اسوه‌های اخلاق بود تا بتوان رفتار مناسب را تشخیص داد. انسان برای کسب مهارت در مشاغل و حرفه‌هایی نظیر نجاری و نقاشی نیاز به معلم و راهنما دارد. در کسب فضایل نیز نیازمند الگوی اخلاق مناسبی است تا در شرایطی که عقل عملی نتواند به راه‌حل اخلاقی دست یابد از آن کمک بگیریم.

در نهایت، شیخ طوسی با اعتقاد به حسن بعثت انبیا و وجود ارسال اوصیای معصوم به دلیل لطف، آنان را همسان و مدرسان عقل در فهم و تبیین احکام و گزاره‌های علمی و اخلاقی تلقی کرده و نیاز عقل به شرع و نیاز شرع به عقل در تکمیل سازی احکام و اخلاق نظری و عملی را یکسان می‌داند. بدین سان ماهیت اخلاقی

رسولان الهی اثبات می‌گردد و اعلمیت آنان در همه مسائل خصوصاً جزئیات و تعیین مصادیق خوب و بد اخلاقی که عقل در ادراک آنها ناتوان است مهم‌ترین منبع معرفت اخلاقی قلمداد می‌گردد.

۵. بنیادهای انسان‌شناختی اخلاق

برای استخراج مبانی کلامی اخلاق از دیدگاه شیخ طوسی، گزاره‌های مربوط به حوزه انسان‌شناختی نیز با رویکرد اخلاقی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا مضمون آنها روشن گردد.

شیخ طوسی با استفاده از روش‌های علمی، شهودی، عقلی و با استمداد از وحی الهی، روشی کل‌نگر در انسان‌شناسی اتخاذ کرده است (رجبی، ۱۳۸۶: ۲۲-۲۴). شیخ طوسی بر این باور است که انسان صاحب جوهره و ذات بزرگی است که وی را لایق خلافت خدا کرده است، و در عالم مادی دارای بدن است که اعمالش را با آن انجام می‌دهد (طوسی، بی‌تا، ۷: ۳۵۳). شیخ طوسی، روح را دارای اصالت، و بدن را در استخدام آن می‌داند (طوسی، بی‌تا، ۷: ۳۵۳).

از دیدگاه شیخ طوسی، بشر ذاتاً معرفتی شهودی به خداوند و میل و رغبت به قبول آنچه مقرب الهی است، دارد که در لسان دین آن را صبغۀ الله نام نهاده‌اند، وانسان‌ها با دعوت به توحید آمادگی پذیرش دین و اخلاق را دارند (طوسی، ۱۴۰۶: ۸۶ همو، بی‌تا، ۵: ۲۰؛ ۸: ۲۴۷).

یکی از مهم‌ترین اصول موضوعه در علم اخلاق و از مبانی انسان‌شناختی در نظریه شیخ طوسی، مساله اختیار است (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۳۴۱). ایشان بسان سایر متکلمان امامیه و با تأسی از معصومان علیهم‌السلام با پذیرفتن نظریه امر بین الامرین به رد نظریه جبر و تفویض پرداخته و معتقد است که انسان به هیچ وجه مجبور نیست و آنچه انجام می‌دهد، به اراده و اختیار خویش انتخاب و سپس بر اساس آن انتخاب، عمل می‌کند (طوسی، بی‌تا، ۶: ۶۵-۶۶).

یکی دیگر از مبانی کلامی اخلاق در اندیشه شیخ طوسی، تکلیف و مسئولیت انسانی است. شیخ طوسی با اعتقاد به استطاعت انسان قبل از فعل، به اختیار و آزادی وی در انجام اعمال نظر داده و ستایش و نکوهش در مورد اعمال انسان را مبتنی بر همین امر دانسته (طوسی، ۱۳۷۵: ۶۳) و تکلیف به ما لایطاق را خلاف حکمت الهی می‌داند (طوسی، ۱۴۰۶: ۱۰۵).

شیخ طوسی در فرازهایی از کلامش پذیرش دلالت عقلی بر وجوب مسئله امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان مسئولیت اخلاقی اجتماعی انسان مطرح می کند و حتی چنین باوری را به جهت لطف مندرج در این فرائض دور از ذهن نمی داند؛ چراکه امر به نیکی حالتی است که انسان را به قرب طاعتی نزدیک می کند و نهی از منکر وی را از بُعد عصیان دور می سازد و این عمل از منظر عقل عملی الزام آور و مستحق مدح و ذم آفریدگار بی همتاست (طوسی، ۱۴۰۶: ۲۳۷ و ۲۳۸).

جدول ذیل به صورت مختصر، تحلیل مضمون گزاره های کلامی شیخ طوسی را در محور انسان شناسی با رویکرد اخلاقی گزارش کرده است.

جدول ۴. بنیادهای انسان شناختی اخلاق

ردیف	گزاره کلامی شیخ طوسی	مفهوم کلامی	تحلیل مضمون اخلاقی
۱	روح بعد از جدایی از بدن توانایی ادراک ندارد و تنها با همراهی جسم می تواند مدرکات را درک کند (طوسی، بی تا، ۷: ۳۵۳)	فهم بدن و بدن	چون انسان دارای حیات روحانی است، زیست اخلاقی او ضروری است. البته زیست اخلاقی او به قوای روحی و نه بدنی مربوط خواهد شد و بدن نقش ابزار دارد.
۲	روح جسم رقیق هوایی است که جزء اخیر علت حیات در موجود زنده است (طوسی، بی تا، ۸: ۵۸۰).	روح	به خاطر اصالت روح، مسئولیت اخلاقی بر انسان بار می شود.
۳	احکام اخلاقی همانگونه که به نوعی وابسته به حقیقت و نفس الامرند، معرفت پذیر بوده و قضاوت بر اساس چنین شناخت شهودی ممکن است و قضایایی چون حسن عدل و قبح ظلم، از زمره گزاره هایی است که بالفطره قابل قبول است (طوسی، ۱۴۰۶: ۸۶).	حقیقت	مفاهیم اخلاقی، قابلیت تصدیق دارند و در این حالت، چون از زمره گزاره هایی است که بنفسه و بالفطره قابل قبول است ملاکی برای صدق و کذب، و قابل بررسی عینی است.
۴	وجود روح و آغاز خلقت روحانی بشری را باید بعد از خلقت جسمانی دانست (طوسی، بی تا، ۷: ۳۵۴-۳۵۵).	رابطه روح و بدن	پذیرش چنین آموزه ای سبب ایجاد انگیزه در انجام وظایف اخلاقی می گردد.
۵	مسئولیت اخلاقی انسان منوط به اختیار و قدرت بر انجام عمل است (طوسی، بی تا، ۱: ۶۳).	اختیار	انسان ها برای زیست اخلاقی و جهت قرب الهی باید اختیار داشته باشند.

۶	نظریه امر بین الامرین بهترین توجیه برای مسئولیت پذیری انسان است (طوسی، بی تا، ۶: ۶۵-۶۶).	تَبَرُّهُ	هدایت و ضلالت انسان‌ها اگرچه تفویضی نیست، درعین حال انسان‌ها با اختیار و اعمال خویش می‌توانند زمینه رشد و یا گمراهی خود را فراهم کنند.
۷	بر اساس حادث و مخلوق بودن، دنیا محل انجام تکالیف برای بندگان است (طوسی، ۱۳۷۵: ۶۳).	تَبَرُّهُ	انجام تکلیف الهی انسان ظاهراً نشانگر وظیفه‌گرایی اوست.
۸	استطاعت، شرط مسئولیت اخلاقی است (طوسی، ۱۴۰۶: ۱۰۵).	تَبَرُّهُ	به واسطه این شرط است که اختیار فعل و مدح و ذم معنا دارد.
۹	الفاظ و مفاهیم وجودی امر به معروف و نهی از منکر دلالتی صریح بر الزام عینی است (طوسی، ۱۴۰۶: ۲۳۷-۲۳۸).	تَبَرُّهُ	هر انسان مسلمانی در قبال اجتماع مسئولیت اخلاقی دارد و باید برای رشد افراد جامعه هم تلاش کند.

از مجموع مطالب ذکر شده و پالایش مضامین آنها بر اساس تحلیل اخلاقی گزاره‌های کلامی شیخ طوسی، این نتایج به دست می‌آید:

۱. یکی از مبانی کلامی اخلاق درحوزه انسان شناختی، دو ساحتی بودن انسان است و اینکه قوه تمامی کمالات وجودی در وی تعبیه شده و می‌تواند مراحل رشد و بالندگی خود را طی کند و به فعلیتی جامع با انجام اخلاقیات دست یابد، لذا لازمه رسیدن به کرامت و شرافت، تحصیل اخلاقیات است.

۲. شیخ در بحث از فطرت و نقش آن در اخلاق، حکم بر بدیهی بودن فطریات در کشف احکام و گزاره‌های اخلاقی می‌کند و از لحاظ معرفت شناختی آن را بر شناخت عقلی مقدم می‌دارد. این رویکرد مبین دیدگاه مبنا گرایی در توجیه نظام شناخت است و به پذیرش قبول قضایای بدیهی در ساحت حکمت نظری و عملی ختم می‌گردد.

۳. شیخ برای باطن انسان در شکوفایی اعمال نقشی ویژه قائل است و استحقاق ثواب را منوط به همراهی ظاهر و باطن کرده است و چون انسان از جانب خداوند مکلف به انجام وظایفی شده تا به قرب الهی دست یابد، قرب الهی حسن فعلی و حسن فاعلی را طلب می‌کند، پس نیت انسان در اخلاقی شدن عمل لحاظ می‌گردد.

۴. مسئولیت‌های اخلاقی انسان در سایه اختیار و با داشتن استطاعت معنا می‌یابد، همچنین تکلیف به ما لایطاق به عنوان کبرای قیاس‌های اخلاقی می‌تواند نظریه‌های اخلاقی را که منجر به آن می‌گردد قبیح و غیر قابل قبول کند.

۵. وجوب امر به معروف و نهی از منکر گستره وظایف اخلاقی انسان را در قبال خداوند، جامعه و محیطزیست توسعه می‌دهد و از محدود شدن آن به وظایف و مسئولیت‌های فردی می‌کاهد.

۶. بنیادهای جهان‌شناختی اخلاق

یکی از دغدغه‌های فکری بشر در دوره‌های تاریخی، نوع نگاه وی به چیستی جهان و عوالم وجود در آن است. حقیقت عالم هستی، جایگاه انسان را در این عالم روشن می‌سازد و بر اساس آن مسئولیت‌های اخلاقی انسان روشن می‌گردد. «چگونه باید زیست؟» سؤالی است که همیشه اذهان بشر را به خود مشغول داشته است. شناخت عالم هستی و واقعیت آن در پاسخ به این سؤال از اهمیت فراوانی برخوردار است و چه بسا همین مباحث باعث پدید آمدن مباحث جهان‌شناختی شده است (افلاطون، ۱۳۵۷: ۵۷۹).

از آنجا که جهان‌شناسی به مسئله شناخت برمی‌گردد و شناخت از ویژگی‌های اختصاصی انسان است و او را از سایر جانداران متمایز می‌کند، به نیروی تفکر و اندیشه بستگی دارد. به عبارتی دیگر، جهان‌بینی به‌عنوان یک‌جهت‌گیری اساسی در حوزه شناخت که فلسفه طبیعی، اصول اساسی، هنجارها و اخلاقیات را در برمی‌گیرد منشأ بسیاری از مکاتب مختلف در جهان خصوصاً مکاتب اخلاقی فراوانی شده است و همگی متأثر از نوع نگاه به عالم و نگرش‌های کلی درباره جهان آفرینش هستند. این، هست‌های موجود و واقعیات عینی است که واقعیت نظام الزامی بایدها و نبایدها را ایجاد می‌کنند و بر اساس آن، امر به انجام و یا ترک چیزی می‌کنند. در نگرش عالمان اسلامی، منشأ احکام دینی مصالح و مفاسد است که خود‌گویای وجود رابطه‌ی تنگاتنگ میان واقعیت‌ها و احکام (باید و نبایدها) است.

به‌عنوان مثال می‌توان گفت نگرش حاکم در باورهای یک فاعل اخلاقی در محدودسازی هست‌ها به حیات مادی، در شکل بخشیدن به جنس و نوع مبانی اخلاق نظری و الزامات عملی می‌تواند سبب‌ساز احکامی متفاوت در نگرش‌پذیرشی حاکمیت الهی در اخلاق باشد. در مقابل نظام باورمند به حیات اخروی و اعتقاد به محاسبات عملی و نقش معنویات در رشد و کمال، آدمی را موظف می‌سازد که چارچوب اخلاقی خود را با رویکرد فرا مادی به جهان پیرامون منطبق سازد و از پیامدهای ناگوار پیش رو مانع گردد. با این توضیح دیدگاه‌های جهان‌شناختی شیخ طوسی بیان می‌گردد تا با

بررسی گزاره‌های کلامی، مبانی کلامی اخلاق در نظریه شیخ طوسی کشف و استخراج گردد.

شیخ طوسی ذیل آیه ۱۷۲ سوره اعراف که مستمسک قائلان به عالم ذر است، وجود چنین عالمی را نمی‌پذیرد و با بیان ضعف سندی روایات عالم ذر، به لحاظ دلالت نیز، مفاد این روایات را نیز مخالف مدلول آیه و همچنین مستلزم تناسخ می‌داند (طوسی، بی تا، ۵: ۲۷-۳۰).

از نظر شیخ طوسی، دنیا دارای ویژگی‌هایی نظیر: حادث و مخلوق بودن، و دار تکلیف بودن برای انساناست تا با انجام افعال حسن و ترک افعال قبیح به سعادت رسیده و ثواب اخروی را دریافت کند و در صورت به‌کارگیری توانایی خود در غیر مسیر سعادت، مستحق عقاب اخروی خواهد بود (طوسی، بی تا، ۱: ۲۹، ۵۸ و ۶۷).

از نگاه دیدگاه شیخ طوسی عالم هستی مجموعه‌ای منسجم و به‌هم‌پیوسته و مخلوق خداوند به‌عنوان موجودی کامل و قادر مطلق است (همان، ۸: ۱۴۷)، و نظامی که مخلوق است قطعاً در اصل وجود و بقا نیازمند آفریننده خویش است؛ آفریننده‌ای دانا، توانا، خیرخواه، عادل و حکیم مطلق که اتقان، استحکام و توازن این نظام را پی‌ریزی کرده و هوشمندانه و غایت‌مندانه هدایتش می‌کند.

شیخ طوسی، مرگ را انتقال نفس از عالمی به عالم دیگر می‌داند و انسان‌ها را بر اساس اعمال‌شان اهل بهشت و دوزخ می‌داند، وی معتقد است نفس انسان‌ها در کالبدی شبیه کالبد دنیایی‌شان وارد بهشت یا دوزخ می‌شوند و متنعم یا معذب می‌گردند (طوسی، بی تا، ۲: ۳۵). طبق نظر شیخ طوسی، معاد یا بازگشت دوباره انسان‌ها به عالمی دیگر، همان بازگشت روح به بدن، بعد از جدایی است تا به طور کامل به جزای اعمالش برسند (طوسی، ۱۳۶۲: ۲۸۷).

وی در تشریح عالم قیامت مسئله حساب و میزان الهی را مطرح کرده و حساب و محاسبه را تقابل بین اعمال و جزای آن می‌داند که در صورت انجام اعمال حسن و افعال قبیح جزای آن را خواهد دید (طوسی، ۱۴۰۶: ۱۹۲). شیخ طوسی «شفاعت» را از مسلمات امامیه برشمرده و نقش پیامبر و امامان را در شفاعت جماعتی از مرتکبان گناهان بزرگ امت و نجات آن‌ها از عذاب، امری قطعی می‌داند (طوسی، ۱۴۰۶: ۲۰۶). گزاره‌های کلامی شیخ طوسی که به طور موجز بیان شد، با روش تحلیل مضمون دسته‌بندی شد و ارتباط آن‌ها با اخلاق، جهت استخراج مبانی کلامی اخلاق در نظریه شیخ طوسی بیان گردید که در جدول ذیل مشاهده می‌شود:

جدول ۵. بنیادهای جهان شناختی اخلاق

ردیف	گزاره کلامی شیخ طوسی	مفهوم کلامی	تحلیل مضمون اخلاقی
۱	آیه ۱۷۲ سوره اعراف دلالتی بر وجود عالم ذر نداشته و روایات عالم ذر نیز از حیث سند و دلالت مخلوش است (طوسی، بی تا، ص ۲۷-۳۰).	عالم ذر	در صورت اعتقاد به عالم ذر و احتساب علت تامه بودن در هدایت و ضلالت، ارسال رسل، انزال کتب، مکلف بودن انسان، امکان تغییر آدمی و در مجموع پای بندی به اخلاق در این دنیا بی معنا می شود زیرا انسان در دنیا جبر اخلاقی خواهد داشت.
۲	دنیا مخلوق، متغیر و حادث است (طوسی، ۱۴۰۶: ۴۹، همو، ۱۳۶۲: ۱۹).	دنیا	انسان هم به عنوان جزئی از کل، قابل تغییر و تحول است.
۳	خلقت منظم است و دنیا مجموعه ای منسجم منظم و هدف دار است (طوسی، ۱۴۰۶: ۲۴۷).	منظم	نظام خلقت شامل نظام اخلاقی انسانی هم هست و در نتیجه از خود در قبال اخلاق و رفتار خوب و بد واکنش نشان می دهد، این باور سبب رعایت اصول اخلاقی و ارزشی می شود.
۴	دنیا دار تکلیف است (طوسی، ۱۳۷۵: ۶۳).	تکلیف	این نگرش انسان را وظیفه گرا و البته دل خوش به نتیجه می سازد.
۵	چون دنیا از جواهر و اعراض تشکیل شده، اثبات بقایش از طریق بقای جواهر امکان دارد (طوسی، ۱۳۶۲: ۱۹).	جواهر	انسان معتقد به این باور می داند که جسم او فانی و اعمال روح او باقی است و لذا در انجام اعمال اخلاقی شوق می یابد.
۶	ارواح، زنده و در عالمی به نام برزخ متعینند (طوسی، بی تا، ۲: ۳۵).	عالم برزخ	باور به برزخ و مسئله اجر و عذاب قبر، تأثیر انگیزشی در اخلاق دارد و آگاهی از نتیجه اعمال، ضمانت اجرایی دارد. با ایمان به برزخ، مصداق واقعی نتایج اعمال اخلاقی فهم می شود.
۷	معاد جسمانی و بازگشت روح به بدن بعد از مفارقت، مورد اجماع امامیه است (طوسی، ۱۳۶۲: ۲۸۷).	معاد	معاد جسمانی به علت درک لذت و فرار از الم، انگیزش اخلاقی بیشتری ایجاد می کند و تعیین مصداق غایت فعل اخلاقی است.
۸	پس از محاسبه آلام و لذات اخروی، لذت خالص در بهشت به بندگان الهی عطا می شود (طوسی، ۱۴۰۶: ۱۹۲).	بهشت	ایمان به بهشت، نظام اخلاقی غایت گرایانه می سازد و انسان را به لذات پایدار اخروی سوق می دهد.

ایمان به وجود جهنم، نظام اخلاقی غایت گرایانه می‌سازد و انسان را از آرام و عذاب‌های جهنم پرهیز می‌دهد.	۹	اعتقاد به اینکه مهم‌ترین ویژگی جهنم عذاب بیشتر و رنج است به‌نوعی آن را مصداق غایت عمل اخلاقی دانسته است (طوسی، ۱۳۶۲: ۲۵۰).
اگر زیست اخلاقی بدون وجود ثواب هم ممکن باشد، اعتقاد به ثواب اخروی، ضمانت اجرایی به التزام اخلاقی ایجاد می‌کند.	۱۰	ثواب، منفعت و سودی است که عاقد انسان می‌شود و همراه با بزرگداشت و احترام است (طوسی، بی‌تا، ۴: ۳۳).
اگر زیست اخلاقی بدون وجود عقاب هم ممکن باشد، اعتقاد به عقاب اخروی، ضمانت اجرایی به التزام اخلاقی ایجاد می‌کند و انسان را به‌صورت شدیدتر از رذایل اخلاقی باز می‌دارد.	۱۱	عقاب ضرر مستحق است که به عنوان جزای افعال قبیحه بر فاعلان وارد می‌شود و همراه با استخفاف و تحقیر است (طوسی، بی‌تا، ۲: ۱۹۶).
توبه ضمن محو گناهان، به زندگی و انجام خوبی‌ها امیدوار می‌کند.	۱۲	توبه، پشیمانی از افعال قبیح و عزم و اراده بر ترک آن و یا مثل آن است (طوسی، ۱۳۶۲: ۲۷۳).
در نظام اخلاقی اسلام، دیگر گروهی با تعریف اسلامی جایگاه مهمی دارد زیرا برخی انسان‌های پاک بدون چشمداشتی به دنبال رفع عقاب دیگران اند بدون اینکه منفعتی به آن‌ها برسد.	۱۳	شفاعت، اسقاط عقاب از مستحقان آن است؛ بدون آنکه صاحب ثواب شوند (طوسی، ۱۴۰۶: ۲۰۶).

از مجموع مطالب ذکر شده و پالایش مضامین آنها بر اساس تحلیل اخلاقی

گزاره‌های کلامی شیخ طوسی، این نتایج به دست می‌آید:

۱. پذیرش عوالم پس از دنیا و احیای مجدد جسم انسان در قیامت و پذیرش حیات برزخی، انگیزش اخلاقی زیستن را در انسان تقویت کرده و در مسئله محاسبه نتایج اعمال که از دغدغه‌های اصلی نتیجه گروان است پاسخی درخور توجه بیان می‌کند. همچنین اعتقاد به عوالم دیگر می‌تواند ضمانت اجرای بسیار خوبی در عملکرد اخلاقی انسان و در نتیجه ترغیب به اخلاقی شدن را فراهم کند.
۲. ثواب و عقاب، به عنوان غایات عمل، که از دیدگاه شیخ طوسی همان لذت و رنج هستند، لذت گرا بودن شیخ در تعیین مصداق غایت در اخلاق را تقویت می‌کند. البته به دلیل دوام و خلوص لذت در آخرت، می‌توان به سعادت- که طبق اعتقاد بسیاری از فلاسفه اخلاق همان لذت پایدار است- اشاره کرده و شیخ طوسی را در زمره سعادت گروان اخلاقی برشمرد.
۳. باور به وجود یا عدم وجود عالم ذر در سه حوزه هستی‌شناسی اخلاقی، معرفت‌شناسی اخلاقی و انگیزش اخلاقی مؤثر است. در هستی‌شناسی اخلاقی، اگر معتقد به وجود چنین عالمی شدیم و آن را علتی تام برای هدایت و گمراهی انسان

برشمردیم، پایبندی به اخلاق، برای دستیابی به سعادت و نرسیدن به شقاوت بی‌معنا و بی‌فایده خواهد بود، این اعتقاد به نوعی، گام نهادن در جبر اخلاقی است. اعتقاد به عالم ذر باعث فروکش کردن انجام وظایف اخلاقی می‌شود. لذا انگیزش اخلاقی انسان از بین می‌رود، اما عدم باورمندی به عالم ذر، باعث ایجاد انگیزش در اخلاقی زیستن انسان می‌گردد و زمینه رشد و بالندگی اخلاقی و انجام وظایف و حقوق را به دنبال دارد.

البته در صورت باور به عالم ذر به نحو زمینه‌ای و اقتضایی - به گونه‌ای که غیر منافی با اراده و اختیار آدمی باشد و حضور انسان در آن وادی صرفاً بر حضور معرفتی و واقعی در آن عالم باشد - می‌توان جایگاهی برای اخلاق در عالم دنیا در نظر گرفت و آن را همراه زمینه‌سازی باورمندی به عالم ذر به تنهایی یا همراه با عوامل دیگر، علت سعادت یا شقاوت دنیوی یا اخروی انسان برشمرد.

۴. در نظریه شیخ طوسی دار تکلیف بودن دنیا، بیانگر این است که تنها بستر اخلاق دنیا است که انسان باید برای رسیدن به غایت نهایی اخلاق که سعادت است، نهایت تلاش خود را به کار گیرد.

۵. شفاعت باعث می‌شود انسان با همه اهتمامش به اخلاق نیک بداند که امکان اشتباه و تقویت رذایل اخلاقی وجود دارد و گاهی با وجود فرایند توبه و استغفار بازم ممکن است نفوذ و آثار برخی رذایل باعث آزار روانی انسان در مسیر زیست اخلاقی گردد، اما باور به شفاعت فشار روانی انسان را نسبت به عاقبت کاسته و انگیزه وی جهت انجام افعال اخلاقی را افزایش می‌دهد.

جمع بندی و نتیجه گیری

پس از بررسی و تحلیل بنیادهای کلامی شیخ طوسی در حوزه اخلاق هنجاری، می‌توان وی را یک فضیلت‌گرای وظیفه‌نگر معرفی کرد. شیخ طوسی با اصل قرار دادن درون انسان با ویژگی پاکی و طهارت، خود فاعل اخلاقی - و نه فعل را - معیار اصلی اخلاق معرفی می‌کند که ظهور در فضیلت‌گرایی دارد. همچنین تأکید شیخ بر دوساحتی بودن ساختار آدمی و نقش باطن انسان در شکوفایی اعمال و منوط کردن استحقاق ثواب بر همراهی باطن و ظاهر، مشعر به فضیلت‌گروی اخلاقی و استحقاق مدح با وقوع فعل بدون اعتبار چیزی دیگر، مخالفت با نتیجه‌گروی اخلاقی است. وی با اعتقاد داشتن به یک سری اصول و قواعد اخلاقی که درستی یا نادرستی آن‌ها توسط عقل انسان قابل شهود است و پذیرفتن اصولی چون عدالت ورزی و



اجتناب از ظلم، راست‌گویی و پرهیز از دروغ‌گویی به‌عنوان ضروریات اخلاقی، که علم بدان‌ها بدیهی و مبنای علم به‌درستی و نادرستی اعمال دیگر واقع می‌شوند، در زمره وظیفه‌گرایان اخلاقی قرار می‌گیرد.

در مبنای اخلاقی شیخ طوسی در حوزه فرا اخلاق، محوریت با واقع‌گرایی اخلاقی است. که نتایج قابل‌توجهی را به همراه دارد. ایشان اوصاف اخلاقی نظیر خوب و بد را مستقل از امیال، عواطف و نگرش‌های انسان در عالم خارج می‌داند که نظام اخلاقی ایشان را مخالف با ذهنیت‌گرایی و نسبی‌گرایی اخلاقی می‌داند. وی با پذیرفتن واقعیات عینی آن‌ها را معیار صدق و کذب احکام و باورهای اخلاقی معرفی می‌کند که احکام اخلاقی را صدق و کذب پذیر می‌کند و مؤید شناخت‌گرایی در اخلاق است.

شیخ طوسی را می‌توان جزو عام‌گرایان اخلاقی دانست که اوصاف و احکام اخلاقی را بر پایه یک سری اصول بدیهی بنا نهاده و مناط و ملاک خوبی و بدی احکام غیر بدیهی را با ارجاع به بدیهیات تعیین می‌کنند. وی ارزش احکام و گزاره‌های اخلاقی را به‌سان اندیشمندان اخلاقی، بر اساس بداهت خوبی عدل و بدی ظلم تشریح می‌کند و بدین‌سان در زمره شهودگرایان اخلاقی قرار می‌گیرد. تأکید و توجه بر پایه‌های بدیهی در معرفت از آسیب‌هایی نظیر تسلسل، باورهای تجربی غلط و احساس‌ها جلوگیری می‌کند. منتقدان مبنا‌گروی به دلیل نداشتن اعتقاد به باوری پایه و بدیهی همواره در توجیه باورهای مشترک آدمیان دچار سردرگمی بوده‌اند. همچنین تکیه بر شهود عقلانی مشترک بین آدمیان و دوری از شهودات شخصی غیرقابل استناد، از نقاط قوت نظریه معرفت‌شناسی شیخ است.

مسئولیت اخلاقی داشتن فاعل اخلاقی با همراه شدن اختیار و آگاهی نسبت به فعل اخلاقی و معرفت به احکام و قضایای اخلاقی به‌وسیله عقل، تجربه و وحی از مهم‌ترین ویژگی‌های نظام اخلاقی شیخ طوسی است. شیخ طوسی مصداق سعادت اخلاقی را قرب الهی می‌داند و لذت پایدار اخروی را نیز از مؤلفه‌های سعادت معرفی می‌کند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ارسطو، ۱۳۸۵، *اخلاق نیکو ماخوس*، ترجمه محمد حسن لطفی، تهران، طرح نو.
۳. افلاطون، ۱۳۵۷، *دوره آثار افلاطون*، ترجمه: محمدحسن لطفی و رضا کاویانی، تهران، خوارزمی.
۴. رجبی، محمود، ۱۳۸۶، *انسان‌شناسی*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۵. صادقی، هادی، ۱۳۹۷، عقلانیت ایمان، چاپ دوم، قم، کتاب طه.
۶. طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۶۲، *تمهید الأصول*، تصحیح: مشكاة الدینی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۷. طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۷۵ق، *الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد*، چاپ اول، تهران، انتشارات کتابخانه جامع چهل ستون.
۸. طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۸۲، *تلخیص الشافی*، قم، محبین.
۹. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۶ق، *الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد*، بیروت، دار الأضواء.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، *الرسائل العشر*، قم، جامعه مدرسین.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۲. فرانکنا، ویلیام کی، ۱۳۸۹، *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی، ترجمه هادی صادقی، چاپ سوم، قم، کتاب طه.
۱۳. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۲، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۴. میل، جان استوارت، ۱۳۹۰، *فایده گرایی*، ترجمه مرتضی مردیپها، چاپ دوم، تهران، نشر نی.